

دعوت به سوی حق در سفر به سوی خلق

به قلم سردبیر

■ تمام دغدغه امام راحل(ره) در سفر «من الحق الی الخلق» دعوت خلق به سوی حق بود و بس. جز در این راه سخنی نگفت و جز برای این مقصود گامی برنداشت، و با بیان این که «تمام مقصد ما مکتب ماست» رسالت خود و نهضت را برای همگان آشکار ساخت.

امام(ره) سعادت دنیا و آخرت انسان و نجات مردم را تنها در گرو دنباله روی از راه انبیاء برشمرد و به صراحت فرمود: «نجات مردم هم به این است که دنبال انبیاء باشند و انگیزه‌هایشان هم انگیزه انبیاء باشد»^۱ و با تأکید بر این نکته که: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند»^۲ و «ما مکلفیم انسان بسازیم»^۳ تمام دغدغه‌اش را انسان‌سازی براساس آموزه‌های قرآن و عترت می‌دانست و در این راه حتی نگران جوانان منحرف شده از راه راست بود تا چه رسد به آنانی که هنوز یا در ابتدای راه بوده و یا بر سر دو راهی قرار گرفته بودند. نگرانی این سالک طریق هدایت و دعوت کننده خلق به سوی حق را می‌توان در آیینیه وصیت‌نامه سیاسی الهی او در خطاب قرار دادن جوانان منحرف تماشا کرد که تأکید می‌کند: «من تکلیف خود را که هدایت است اداء کردم و امید است به این نصیحت که پس از مرگ من به شما می‌رسد و شائبه قدرت‌طلبی در آن نیست گوش فرا دهید و خود را از عذاب الیم الهی نجات دهید، خداوند منان شما را هدایت فرماید و صراط مستقیم را به شما بنماید.»^۴

■ تجلی این دغدغه در رهبر معظم انقلاب آن هم در سفر من الحق الی الخلق او را می‌توان در سیره او به ویژه در دعوت جوانان به چشیدن لذت همنشینی با خدا جستجو کرد، آن جا که خطاب به تشکل‌های دانشجویی می‌گویند: «... انس با خدا را تعلیم بدهید و لذت ذکر را بچشائید، اگر کسی لذت ذکر الهی و انس با خدا را چشید، بدانید که هیچ لذت دیگری به دهانش مزه نمی‌کند، همه این لذت‌های زودگذر دنیا - حتی عالی‌ترین لذات - به نظرش بچه‌گانه می‌آید...»^۵

چه کسی می‌خواهد این معنویات را به این جوان‌ها یاد بدهد و دست آن‌ها را بگیرد؟ این به عهده شما است، این وظیفه بزرگی است. آن را کم نگیرید.»^۶

■ امام راحل(ره) در مسیر راه انبیاء الهی و دعوت خلق به سوی حق، مانع اصلی و کانون باطل در عصر کنونی را فرهنگ منحط غرب می‌دانستند، اولیاء رویکردگان غرب را طاغوت و آمریکا را شیطان بزرگ نامیدند و رهبری معظم انقلاب نیز آن را بدتر از ابلیس خواندند که در تدلیس زشت به زیبا و زیبا به زشت دست ابلیس را از پشت بسته است. از این رو خطاب به جوانان دانشجو

شناخت شیوه‌های «فریب» و «آدم‌کشی» آن را گوشزد کرده و می‌گویند: «یکی از خصوصیات و اخلاقیات غربی‌ها این است که زشت‌ترین پدیده را خیلی اطو کشیده و بسته‌بندی شده و ادکلن زده و زیبا عرصه می‌کنند مثل همه بسته‌بندی‌هایشان طبیعت آن‌ها این است! با کسی هم که می‌خواهند دعوا بکنند، ماها دست به یقه می‌شویم و داد و فریاد می‌کشیم، ولی آن‌ها فریاد نمی‌کشند، در قلب طرف گلوله پرتاب می‌کند، بدون این که خیلی هم عصبانی بشوند با خونسردی آدم می‌کشند این خصوصیت آن‌هاست.»^۷

■ همین روحیه «فریب» و «آدم‌کشی» جبهه «باطل» در برابر روحیه «صداقت» و «انسان‌سازی» جبهه حق بود که امام راحل(ره) را بر آن داشت تا در نامه دعوت گورباچف و سران حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی به سوی حق، آنان را از افتادن به دامان «غرب» بر حذر دارد و رهبری معظم انقلاب را نیز مصمم کرد در نامه دعوت جوانان غربی به سوی حق آنان را از فریب پیش‌داوری‌های رسانه‌ای نظام سلطه در شناخت حق آگاه نماید و انگشت اشاره را به سوی سرچشمه‌های اصلی شناخت اسلام نشانه رود و چون انبیاء الهی و اولیاء خدا و امام راحل(ره)، به دور از علقه‌های قومی و نژادی، نگران «هدایت» و بازماندن جوان غربی از قافله سفر به سوی حق باشد؛ مسئله‌ای که سیاست‌بازان جهانی و رسانه‌های غربی از درک آن عاجزند و به خاطر دور شدن از رحمت الهی همواره در کوری باطن خود می‌مانند و نمی‌دانند وعده الهی حق است و «جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً».

پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۷۶.
۲. همان، ج ۱۹، ص ۴۴۷.
۳. همان، ج ۳، ص ۴۳۲.
۴. همان، ج ۷، ص ۵۳۱.
۵. همان، ج ۲۱، ص ۴۳۸.
۶. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۷۵/۹/۱۵.
۷. همان.